



از آنچه که گفتیم به روشنی می توان دریافت که فارقلیط را نمی توان با روح القدس تطبیق داد . وجود کسانی که ادعا کرده اند فارقلیط موعود هستند همچون منتس و ... و تبعیت برخی از مسیحیان از این مدعیان خود بهترین شاهد بر این نکته است که مسیحیان منتظر ظهور فارقلیط بوده اند.

برخی از مسیحیان اشکالاتی را وارد کرده و گفته اند این بشارت با پیامبر اسلام سازگاری ندارد ما به طور مختصر برخی از این اشکالات را مطرح و پاسخ آن را به صورت مجمل می آوریم. به ادامه ی مطلب مراجعه کنید

با مطالعه قرآن کریم در می یابیم که نام پیامبر اسلام در کتب پیشینیان وجود داشته است ، قرآن با صراحت و با قاطعیت از وجود نام و توصیفات پیامبر خاتم خبر می دهد از آنجا که به اعتقاد مسلمانان کتابهای مقدس موجود در دست یهودیان و مسیحیان تحریف شده است برخی معتقدند بشارت‌های ذکر شده در قرآن کریم ناظر بر تورات و انجیل واقعی است ، اما به عقیده ما بشارت‌های مذکور در همین تورات و انجیل کنونی موجود است. و ما در این تحقیق به ذکر آیاتی که در کتاب مقدس به صراحت و یا با اشاره به پیامبر آخر الزمان می پردازد خواهیم پرداخت .

بشارت اول: نبی ای می آید
در انجیل یو حنا به روشنی بیان شده است که علمای یهود در انتظار ظهور پیامبری به غیر از مسیح بودند (یوحنا 1: 19-25)
و این است شهادت یحیی در وقتی که یهودیان از اورشلیم کاهنان و لایوان را فرستادند تا از او سؤال کنند که تو کیستی که معترف شد و انکار نمود بلکه اقرار کرد که من مسیح نیستم
آنگاه از او سؤال کردند پس چه آیا تو الیاس هستی گفت نیستم آیا تو نبی هستی جواب داد

که نی آنگاه بدو گفتند پسی کیستی تا به آن کسانی که ما را فرستادند جواب بریم درباره خود چه میگوئی گفت من صدای ندا کننده در بیابانم که راه خداوند را راست کنی چنانکه اشعیاء نبی گفت و فرستادگان از فریسیان بودند پس از او سؤال کرده گفتند اگر تو مسیح و الیاس و آن نبی نیستی پس برای چه تعمیم میدهی و نیز وقتی مسیح در جلیلی ندا کرد که به مردم ایمنان بیاورید مردم اختلاف کردند که او کیست اختلاف کردند یوحنا 40/7) گفت درباره روح که هر که به او ایمان آرد او را خواهد یافت زیرا که روح القدس هنوز عطا نشده بود چون که عیسی تا به حال جلال نیافته بود (39 انجیل یوحنا 7) آنگاه بسیاری از آن گروه چون این کلام را شنیدند گفتند در حقیقت این شخص همان نبی است (40 انجیل یوحنا 7) و بعضی گفتند او مسیح است و این منتها به وضوح نشان میدهد که یهودیان زمان ظهور مسیح منتظر دو شخصیت بودند یکی مسیح و دیگری آن نبی آنچه گذشت برخی از بشارتهای موجود در کتاب مقدس بر ظهور پیامبر اکرم بود

بشارت دوم: نبی ای مثل موسی از برادران بنی اسرائیل یکی از بشارتهای کتاب مقدس به پیامبر اسلام آیه ای است که در سفر تثییه تورات آمده است
یهوه خدایت نبی ای را از میان تو از برادران مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید او را بشنوید.....و خداوند به من گفت آنچه گفتند نیکو گفتند نبی ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت. «و هر کس از کلامش اطاعت نکند من از وی انتقام خواهم گرفت» (تثییه 18:15-18)

متن عبری:

נביא מקרבך מאחריך
כמני יקים לך יהוה
אלהיך אליו
תשמעו:
ככל אשר־שאלת מעם
יהוה אלהיך בחרב
ביום הקהל לאמר לא
אסף לשמע את־קול
יהוה אלהי ואת־האש
הגדלה הזאת
לא־אראה עוד ולא
אמות:
ויאמר יהוה אלי
היטיבו אשר דברו:
נביא אקים להם
מקרב אחיהם כמוך
ונתתי דברי בפיו
ודבר אליהם את
כל־אשר אצונו:

برای آنکه بهتر بتوانیم این بشارت را تطبیق دهیم لازم است به کلام خداوند رجوع کنیم و در آن دقت کنیم. در این آیه دو نکته و برای این پیامبر نسبت به سایر پیامبران همچون یوشع و عیسی وجود دارد.

1- و کسی که کلام او را نپذیرد من از او انتقام خواهم گرفت بدون شک مراد خداوند از این انتقام عذاب اخروی مسئله برای این پیامبر نیست و در مورد تمام پیامبران وجود دارد و حال آنکه از ظاهر عبارت بر می آید که این ویژگی به عنوان خصوصیتی بارز برای این پیامبر است.

در نتیجه مراد از انتقام همین انتقام دنیوی است و اشاره به این نکته دارد که پیامبر مذکور مأمور به جهاد خواهد بود و خداوند او را یاری خواهد نمود و از مخالفین وی انتقام می گیرد. در این آیه عبارت مثل تو نیز از خصوصیات این پیامبر ذکر شده است و به همین دلیل می گوئیم این بشارت قابل تطبیق بر یوشع آنچنانکه یهودیان می گویند و قابل تطبیق بر عیسی نیز چنانکه مسیحیان معتقدند نمی باشد، زیرا حضرت یوشع صاحب شریعت نبود و حال آنکه از خصوصیات برجسته حضرت موسی داشتن شریعت بود. و به علاوه خصوصیات و عظمتی که برای پیامبر مذکور مطرح شده را بر حضرت یوشع نمی توان تطبیق داد. اما تفاوت‌های حضرت عیسی و حضرت موسی بیش از آن است که احصاء شود و در کمتر موردی این دو پیامبر دارای وجه مشترک هستند بر خلاف پیامبر اسلام که شباهت کامل به حضرت موسی داشته است.

در جدول زیر شباهتها و تفاوت‌های این پیامبران را بر می شمیریم

حضرت موسی (ع) حضرت عیسی (ع) حضرت محمد (ع)
پیامبر و بنده خدا و فرزند خدا پیامبر و بنده خدا
صاحب شریعت فاقد شریعت صاحب شریعت
مورد رحمت بود ملعون شد مرحوم و مورد رحمت الهی بود
در بستر از دنیا رفت مصلوب شد در بستر از دنیا رفت
مطاع و سید قوم بود خار و حقیر مطاع و سید
پدر و مادر داشت فقط مادر داشت پدر و مادر داشت
شمشیر به دست گرفت شمشیر به دست نگرفت شمشیر به دست گرفت

در عبارت اول آمده است « نبی ای را از میان تو از برادرانت » اما در دفعه دوم آمده است : « نبی ای را برای ایشان از میان برادران ایشان » که به نظر ما جمله اول به صورت مجمل است و در ضمن به صورت دقیق هم ذکر نشده و عبارت از میان تو (و در بعضی از نسخ از میان شما) نیز زیادی است و جزو عبارت اصلی نمی باشد. زیرا اولاً: در عبارت حضرت موسی که کلام خداوند را تکرار میکند کلمه از میان شما وجود ندارد و اضافاتی نیز بر جمله اول دارد که بدون شک نمی توان آنها را ساخته حضرت موسی دانست و این از شأن آن جناب به دور است.

این آیه در کلام پطرس نیز نقل شده و در آنجا نیز فقط کلمه از برادران شما آمده است حال باید دید که برادران بنی اسرائیل چه کسانی هستند می دانیم که اسرائیل لقب یعقوب است و یعقوب فرزند اسحاق است و اسحاق و اسماعیل نیز برادر یکدیگرند پس بدون شک مراد از برادران بنی اسرائیل همان فرزندان اسماعیل هستند.

البته این مطلب تازگی ندارد چرا که در سفر تکوین آمده است و نصیب او (اسماعیل) در مقابل همه برادران افتاد. که مراد از برادران اسماعیل همان بنی اسرائیل هستند. نکته: ممکن است به نظر برسد مراد از برادران بنی اسرائیل فرزندان عیسو باشند اما این مطلب صحیح نیست زیرا عیسو از برکت محروم شد پس مراد فرزندان اسما عیل خواهند بود که خداوند او را هم مشمول برکت خود قرار داده بود و البته استعمال برادران در این موارد تازگی ندارد مثل که بنو عیسو برادران اسماعیل دانسته شده اند و صرف نظر از این مطلب می دانیم که در میان تمام برادران بنی اسرائیل کسی جز محمد بر نخواست است. دلیل دیگر آنکه حتی اگر بپذیریم که عبارت از میان شما صحیح باشد باز هم مشکلی پیش نمی آید زیرا استقرار و شوکت و در حقیقت آغاز شیوع اسلام در مدینه بود و اطراف مدینه هم بلاد بنی اسرائیل بود مثل خیبر و بنی قنیقاع و بنی نظیر و پیامبر از میان ایشان بر خواست و از بنی اخوة ایشان بود. نکته دیگر آنکه: می دانیم که مخاطب حضرت موسی اسباط دوازده گانه بودند. و اگر واقعاً پیامبر مذکور از میان خودایشان باید بر خیزد دیگر قید از میان برادرانشان معنی ندارد و باید فقط می فرمود از میان شما و حال آنکه می بینیم قید از میان برادرانتان ذکر میکند و حتی در مرتبه دوم به همین قیداز میان برادرانتان اکتفا میکند.

بشارت سوم: پراکلیتوس (ستوده و حمد شده) میاید
از مهمترین بشارت‌های مطرح شده در انجیل به پیامبر اسلام سخنانی است که حضرت
عیسی در آخرین روزهای خود خطاب به حواریون فرمود دقت کنید
«اگر مرا دوست دارید احکام مرا نگاه دارید و من از پدر سؤال می کنم و تسلی دهنده دیگر
به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند یعنی روح راستی که جهان نمی تواند او را
قبول کند چون او را نمی بیند و نمی شناسد اما شما او را میبینید و می شناسید زیرا که با
شما می ماند و در شما خواهد بود» (یوحنا 15:14-15)
در چند مورد همین بشارت به ظهور تسلی دهنده در کلام حضرت عیسی (ع) تکرار شده
است.

مفسرین مسیحی این بشارت را همان تجلی روح القدس بر حواریون در روز پنطیکااست
دانسته اند اما این مطلب نیاز به بررسی بیشتری دارد . قبل از توضیح و تفصیل این مطلب
لازم است به نکته ای اشاره کنیم:

می دانیم که حضرت عیسی به زبان عبری صحبت می کرده است و انجیل یوحنا هم به زبان
یونانی نوشته شده است پس بدون شک آنچه را که امروز در انجیل یوحنا می بینیم ترجمه
کلمات آن حضرت از زبان عبری به زبان یونانی است و ما دقیقاً نمی دانیم آن حضرت چه کلمه
ای را به زبان آورده است . با توجه به این مطلب می گوئیم کلمه موجود در انجیل یوحنا کلمه
پاراقلیط paraclete است که عموم مفسرین آن را به تسلی دهنده ترجمه کرده اند.
مسلمانان نیز در مقابل معتقدند که کلمه پاراقلیط یا پاراقلیطوس در اصل پریقلیطوس بوده که
پریقلیطوس به معنی احمد و محمد در زبان عربی است . قرآن نیز به این مطلب پافشاری می
کند که حضرت عیسی به ظهور پیامبری با نام احمد بشارت داده است که البته این خود نکته
ای قابل توجه و شایان تأمل است که چگونه پیامبری که خواندن و نوشتن عربی را نیاموخته
بود چگونه از وجود نام احمد در انجیل یونانی زبان خبر می دهد. آیا این اطلاع جز ریشه
و حیانی می تواند داشته باشد؟ حتی اگر کلمه واقعی را پاراقلیوس فرض کنیم آیا خبر دادن از
وجود کلمه ای که شباهت زیادی به پریقلیطیوس دارد و ممکن است آن را تحریف شده
دانست خود دلیل بر متصل بودن به منبع وحی نیست ؟
این احتمال زمانی قوت می یابد که ما با مراجعه به نسخه های زبان آرامی میبینیم که
از کلمات محمده و حمیده استفاده شده که عیناً معادل احمد و محمد در زبان عربی و واژه
پریقلیط در زبان یونانی است

صرف نظر ز آنچه گفته شد تطبیق پاراقلیطوس بر روح القدس صحیح نیست و فقراتی از همین
انجیل و آیات مربوطه به فارقلیط با روح القدس همخوانی ندارد:

1- در این آیات خبر از آمدن کسی می دهد که رفتن مسیح در مقابل آمدن او سودمند و مفید
است آیا به اعتقاد مسیحیان روح القدس آنچنان دارای اهمیت است و آنقدر مفید است که
آمدن او از فقدان مسیح سودمندتر است.

2- در مورد فارقلیط آمده است که وی جهانیان را به گناه و صدق و انصاف ملزم خواهد ساخت،
آیا روح القدس به عقیده خود مسیحیان چنین کاری انجام می دهد ، روح القدس که ظهور
وتجلی او فقط برای گروهی خاص اتفاق افتاده است

3- همچنین آمده است که وی درباره مسیح شهادت داده او را تصدیق خواهد نمود، و حال
آنکه چنین چیزی در مورد روح القدس گزارش نشده است و اصلاً حواریون نیاز به شهادت روح
القدس نداشته اند آیا می توان باور نمود که حواریون در حقانیت حضرت مسیح شک داشته
اند.

4- در این آیات آمدن فارقلیط را مشروط به رفتن مسیح نموده و حال آنکه روح القدس همواره
همراه حضرت عیسی (ع) بوده و آمدن او متوقف بر رفتن حضرت مسیح نبوده . البته برخی
گفته اند منظور تجلی خاص روح القدس بر حواریون است که این تجلی متوقف بر حضرت
مسیح بوده است اما این مطلب هم با کلام حضرت عیسی سازگاری ندارد آن حضرت می
فرماید تا من نروم او نمی آید و حال آنکه باید می فرمود تا من نروم او بر شما متجلی نخواهد
شد در مورد کلمه فارقلیط آمده است که او آنچه را شما از یاد برده اید به خاطرتان خواهد آورد
و کسی نمی تواند ادعا کند که حواریون در طی این چند روز تعالیم حضرت عیسی را فراموش
کرده باشند ، در هیچ یک از کتب عهد جدید هم ذکر نشده است که ما مطلبی را فراموش

کردیم و روح القدس آن را یاد آوری کرد.

5- حضرت عیسی می فرماید : من همه چیز را از پیش به شما گفتم تا وقتی واقع می شود به آن ایمان بیاورید آیا نزول روح القدس در روز پنتیکاست مسئله ای بود که امکان انکار آن می رفت و حضرت مسیح حواریون را از آن نهی کرده است؟

6- حضرت عیسی در مورد فارقلیط فرموده که او عالمیان را توبیخ می کند (یوحنا 8:16) که این بهترین گواه بر ادعای ماست و بدون شک روح القدس هیچگاه و به اعتقاد هیچکس مردم را توبیخ نکرده است بر خلاف پیامبر اسلام (ص) که یهودیان را به خاطر ایمان نیاوردن به عیسی توبیخ و سرزنش نمود.

از آنچه که گفتیم به روشنی می توان دریافت که فارقلیط را نمی توان با روح القدس تطبیق داد . وجود کسانی که ادعا کرده اند فارقلیط موعود هستند همچون منتس و و تبعیت برخی از مسیحیان از این مدعیان خود بهترین شاهد بر این نکته است که مسیحیان منتظر ظهور فارقلیط بوده اند.

برخی از مسیحیان اشکالاتی را وارد کرده و گفته اند این بشارت با پیامبر اسلام سازگاری ندارد ما به طور مختصر برخی از این اشکالات را مطرح و پاسخ آن را به صورت مجمل می آوریم ، که علاقه مندان می توانند جهت مطالعه بیشتر در این زمینه به کتب مربوطه مراجعه کنند.

اشکال اول:

در این آیه خطاب به حواریون گفته شده است شما فارقلیط را می بینید و حال آنکه حواریون هرگز پیامبر اسلام را ندیدند:

جواب : لازم نیست که همیشه مخاطبین و شنوندگان مقصود باشند.

چنانکه مسیح به سران کهنه گفت : و نیز شما را می گویم که بعد از این پسر انسان را خواهید دید که بر یمین قدرت نشسته برابراهای آسمانی می آید. آیا آنها حضرت عیسی را دیدند تاکنون نزدیک به دوهزار سال از آن وقایع می گذرد و هنوز هم خبری از بازگشت دوباره عیسی نیست.

اشکال دوم:

در متن آیه آمده که جهان نمی تواند او را قبول کند زیرا که او را نمی بیند و نمی شناسد اما شما او را می شناسید.

جواب: این مسئله در مورد روح القدس به مراتب مشکلتر است زیرا روح القدس به اعتقاد مسیحیان خداست و بدون شک شناخت مردم از خداوند به مراتب بیشتر از شناخت آنها نسبت به پیامبر اسلام است بدون مراد از ندیدن و نشناختن آنست که ایشان نمی توانند که عظمت و حقیقت او را درک کنند.

البته این مسئله تازگی ندارد و در مورد حضرت عیسی نیز آمده است که کسی پسر انسان را نمی شناسد (یوحنا 8:19 و متی 47:11) (در متی 13:13 آمده است : نگرانند و نمی بینند و شنوا هستند و نمی شنوند. چ

بشارت چهارم : از جبل فاران می آید

و این است برکتی که موسی مرد خدا قبل از وفاتش به بنی اسرائیل برکت داده گفت یهوه از سینا آمد و از سعیر بر ایشان طلوع نمود و از جبل فاران درخشان گردید و با کرورهای

مقدسین آمد و از دست راست او برای ایشان شریعت آتشین پدید آمد (تثنیه 33:1)

از آنجا که ترجمه های کنونی کتاب مقدس در موارد زیادی متفاوت است و بسیاری از این ترجمه ها به صورت سلیقه ای انجام می پذیرد لازم دانستیم تا ترجمه دقیق این آیات را از کتاب پرو فسور عبد الا حد داود که خود مسلط بر زبان عبری است نقل کنیم یهوه از سینا آمد و از سعیر بر ایشان طلوع نمود و از جبل فاران درخشان گردید و با ده هزار از مقدسین و مؤمنین آمد و از دست راست او برای ایشان شریعت آتشین پدید آمد . در این آیات خداوند به خو رشید تشبیه شده است حضرت موسی در این جملات به ظهور سه پیامبر بزرگ الهی اشاره میکند . سینا محل بعثت حضرت موسی است سعیر مکانی است که حضرت عیسی به نبوت رسید و در پاران بود که حضرت محمد به پیامبری برانگیخته شد.

به اعتقاد اهل کتاب فاران نمی تواند در مکه باشد و در کتاب مقدس این نام بر مکانهای

دیگری اطلاق شده است لازم می دانیم که با مراجعه به کتاب مقدس به تحقیق در این باره بپردازیم.

در سفر تکوین 13:25-18 آمده است این است نامهای پسران اسماعیل موافق اسمهای ایشان بحسب پیدایش ایشان نخست زاده اسماعیل نبا یوت و قیدار و ادبیل و مباسام و مشاع و دومه و مسا و حدار و تیما و یطور و نافیش و قدمه وایشان از حویله تا شور که مقابل مصر بسمت اشور واقع است ساکن بودند....

از این آیات مشخص می شود که شور منطقه ای بین مصر و عراق (آشور) و در شمال جزیره العرب قرار دارد. حال با تعیین منطقه حویله و محل آن می توان محل سکونت حضرت اسماعیل و فرزندان او را تعیین کرد. نام حویله در کتاب مقدس پیدایش 29:10 آمده است او از فرزندان یقطان بوده است و با برادرانش همگی در میشا که کوهی از کوههای شرقی است زندگی می کردند

حویله کیست و قوم و قبیله او در کجا بوده اند:

در پیدایش 26:10-30 آمده است و یقطان الموداد و شالف و حضرموت و یارج راوردو هدورام و اوزال و دقله راو عوبال و ابیمائیل و شبا راو اوفیرو حویله و یوباب رااین همه پسران یقطان بودند و مسکن ایشان از میشا بود بسمت سفاره که کوهی از کوههای شرقی است بدون شک سبا حضرموت و آزال(نام قدیمی شهر صنعاء) و دقله همگی در جنوب جزیره العرب و در کشور یمن قرار دارند در نتیجه حویله نیز که از برادران ایشان شمرده شده نیز در همین منطقه سکونت داشته است.

در معجم کتاب مقدس ویکلیف dictionary ycliffe bible w نیز به همین مطلب اشاره شده و آمده است که اکثر محققین معتقدند منطقه حویله در شمال یمن قرار دارد دلیل ایشان نیز ارتباط این منطقه با حضر موت و سبا می باشد. آنچه گفتیم فقط به خاطر روشن تر نمودن این مسئله است اما صرف نظر از تمام این استدلالها منطقه حویله در همین زمان کنونی نیز در منطقه حیمه و در یمن وجود دارد.

از آنچه گفتیم روشن می شود که حضرت اسماعیل و فرزندان ایشان بین شور در جنوب اردن و حویله در یمن اقامت داشته اند که این منطقه همان حجاز می باشد و مشهور ترین شهر و مرکز آن نیز مکه است از طرفی نیز می دانیم که حضرت اسماعیل در فاران اقامت داشته است پیدایش (21:12) پس فاران در همین منطقه واقع شده است

بشارت پنجم: ماد ماد و دوازده پیشوا از نسل وی

و اما در خصوص اسماعیل تو را اجابت فرمودم اینک او را برکت داده بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی بوجود آورم (پیدایش 20:17) متن عبری:

ולישמעאל שמעתיך

הנה ברכתי אתו

והפריתי אתו

והרביתי אתו במאד

מאד שנים עשר

נשיאם יוליד

ונתתיו לגוי גדול:

تلفظ انگلیسی:

17:20 VLYShM'y'aL ShM'yThYK HNH BUrKThY 'aThV VPhUrYThY 'aThV VHUrBYThY 'aThV BM'aD M'aD ShNYM-'yShUr NShY'aM YVLYD VNThThYV LGVY GDVL.

ترجمه انگلیسی: King James Version :

17:20 And as for Ishmael, I have heard thee: Behold, I have blessed him, and will make him fruitful, and will multiply him exceedingly; twelve princes shall he beget, and I will make him a great nation.

از آنجا که ترجمه های کتاب مقدس معمولاً از دقت کافی بر خوردار نیست لازم است به متن اصلی آن که به زبان عبری است مراجعه کنیم در متن عبری نامی ذکر شده که مترجمین آن را ذکر نکرده اند و آن بمادماست.

بنابراین ترجمه دقیق تر عبارت چنین است : و اما در خصوص اسماعیل تو را اجابت فرمودم اینک او را برکت داده بارور و بزرگ می گردانم بماد ماد و دوازده رئیس (پیشوا) که از نسل او خواهد بود.

در این بشارت به روشنی از برکت خداوند به اسماعیل و ظهور ماد ماد (یا بماد ماد) و دوازده پیشوا از نسل خبر داده شده است

حال باید دید که مادما و دوازده پیشوا چه کسانی هستند . برخی آنها را بر فرزندان دوازده گانه اسماعیل تطبیق داده اند اما با کمی تأمل در می یابیم که تطبیق این بشارت بر فرزندان اسماعیل صحیح نیست . برای روشن شدن این مطلب لازم است داستان مذکور و این بشارت را دوباره مورد بررسی قرار دهیم

و چون ابرام نودو نه ساله بود خداوند بر ابرام ظاهر شد و گفت....: و عهد خویش را در میان خود و تو و ذریت بعد از تو استوار گردانم که نسل بعد نسل عهد جاودانی باشد....

اما زوجه تو سارای نام او را سارای مخوان بلکه نام او ساره باشد و او را برکت خواهم داد و پسری نیز از وی بدنیا خواهد آمد و ملوک امتهای از وی پدید خواهند شد.. و ابراهیم به خدا گفت کاش اسماعیل در حضور تو زیست کند....و اما در خصوص اسماعیل تو را اجابت فرمودم اینک او را برکت داده بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم بماد ماد و دوازده رئیس که از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی بوجود آورم لکن عهد خود را با اسحاق استوار خواهم ساخت

در این داستان ابراهیم به خداوند می گوید : کاش اسماعیل در حضور تو زیست کند. و خداوند به او جواب می دهد که در مورد اسماعیل خواسته تو را اجابت نمودم آیا می توان قبول نمود که خواسته ابراهیم و حاجت وی از خداوند فرزند دار شدن اسماعیل باشد روشن است که ابراهیم پس از شنیدن اینکه خداوند عهد ابدی خویش را با ابراهیم و نسل او اعلام میکند درخواست می کند که خداوند این برکت را شامل حال اسماعیل هم بفرماید و خداوند هم درخواست ابراهیم را اجابت میکند و می فرماید درخواست تو را شنیدم و اجابت نمودم اما خداوند اعلام میکند که عهد دائمی خود را با اسحاق بستم که در نسل او همیشه انبیاء وجود داشته باشند.

و عهد خویش را در میان خود و تو و ذریت بعد از تو استوار گردانم که نسل بعد نسل عهد جاودانی باشد

(و او را اسحاق نام بده و عهد خود را با وی استوار خواهم داشت تا با ذریت او بعد از او عهد ابدی باشد

اما این بدان معنی نیست که نبوت اسماعیل و همچنین وجود نبوت در نسل او منتفی باشد بلکه خداوند می فرماید او را برکت دادم و از نسل او ماد ماد و دوازده پیشوا خواهند آمد . از آنچه گفتیم روشن شد که درخواست ابراهیم از خداوند در مورد اسماعیل درخواستی معنوی و فراتر از فرزنددار شدن اسماعیل بوده درخواستی که هم پایه و یا لاقول در رتبه پس از عهد ابدی خداوند بوده است.

نکته دیگر آنکه در این عبارت از ماد ماد سخن به میان آمده است و تطبیق آن بر پیامبر اکرم با کمی دقت و بیان چند نکته روشن می شود

اول: در زبان عبری و به طور کلی در میان یهودیان یکی مهمترین شیوه ها و راهکارهای پیشگوییها استفاده از علم اعداد بوده است و ایشان استدلالهای خود را بیشتر بر پایه این علم قرار داده بودند

دوم: به طور کلی دو احتمال در تلفظ صحیح این نام وجود دارد و در هر دو صورت به روشنی با پیامبر اسلام مطابقت دارد.

« 1- ماد ماد» که صرف نظر از شباهت ظاهری کلمه ماد ماد و محمد میگوئیم بدون شک در فرزندان اسماعیل هیچگاه شخصیت همچون پیامبر اکرم بر نخواستند است و جالب آنکه از

نسل پیامبر و به تصریح خود آن بزرگوار دوازده امام و پیشوا بر خواسته است که این دقیقاً همان وعده خداوند به ابراهیم است

« 2-بماد ماد» به این شکل که بگوئیم چون در زبان عبری هر گاه دو باء در یک کلمه جمع شود باء اول را حذف میکنند در اینجا نیز اصل عبارت چنین بوده بماد ماد و باء اول را طبق قواعد زبان عبری حذف کرده اند . که در اینصورت نیز میگوئیم جایگاه علم اعداد بر کسی که مختصری با یهود و زبان و فرهنگ ایشان آشنا باشد پوشیده نیست بگو نه ای که از قدیم الایام که و دانشمندان یهود همیشه با تکیه بر علم اعداد پیشگویی می نمودند.

در کلمه بماد ماد نیز وقتی به زبان عبری مراجعه می کنیم می بینیم کلمه بماد ماد دقیقاً مطابق با کلمه محمد است و هر دو مطابق با عدد 92 می باشند.

0 بماد ماد : ب=2 ، م=40 ، ا=1 ، د=4 ، م=40 ، ا=1 ، د=40 ، جمع=92 =
محمد : م=40 ، ح=8 ، م=40 ، د=4 ، جمع=92

البته ممکن است گفته شود که مطابقت عدد در این مساله مهم کافی نیست اما می گوئیم گر چه صرف مطابقت دو کلمه در عدد کافی نیست اما در اینجا با ملاحظه بقیه عبارت و اینکه شخص مذکور فقط از اولاد اسماعیل است و با توجه به اینکه در فرزندان اسماعیل شخصیت دیگری که این بشارت قابل تطبیق بر او باشد نیامده است و با ملاحظه اینکه عدد این دو اسم دقیقاً یکی است به روشنی و با قاطعیت این بشارت را منطبق بر پیامبر اکرم می دانیم.
نکته:

در سفر پیدایش خداوند میگوید : «چون پسر یگانه خود را از من دریغ نداشتی» میدانیم که این اسماعیل است که فرزند اول حضرت ابراهیم است و این عبارت تنها در مورد او صدق می کند اما تمایلات و اغراض نژاد پرستانه یهودیان آنان را با این وا داشت که اسم اسماعیل را به اسحاق تبدیل کنند و بعد ها در توجیه اینکه چگونه اسحاق را می توان فرزند یگانه ابراهیم دانست گفتند: که اسماعیل فرزند کنیز است و فرزند اصیل و حقیقی ابراهیم همان اسحاق است.

اما این توجیه نیز صحیح نیست زیرا دان و نفتالی، جاد و اشیر چهار فرزند حضرت یعقوب هستند که همگی از کنیز زائیده شدند و جزء اسباط دوازده گانه نیز بشمار می آیند. به علاوه جناب شمشون که از مشهور ترین شخصیت های تاریخ بنی اسرائیل است و هنگام تولدش توسط روح القدس شد و از پیامبران بنی اسرائیل بوده نیز از نسل دان است.

بشارت ششم: نام محمد در کتاب مقدس

دهان او بسیار شیرین و تمام او مرغوبترین است این است محبوب من و این است یار من ای دختران اورشلیم(غزل غزل های سلیمان. 5:16)
گرچه این بشارت به روشنی به پیامبر اکرم اشاره دارد و شیرینی دهان کنایه از فصاحت و بلاغت است و مرغوب بودن به گونه ترجمه محمد اما بهتر است متن عبری کتاب مقدس را هم ذکر کنیم تا جای هیچگونه شک و تردیدی باقی نماند :

متن عبری:

חכו ממתקים וכלו

מחמדים זה דודי

וזה רעי בנות

ירושלם:

تلفظ انگلیسی:

ChKV MMThQYM VKLV MChMDYM

تلفظ فارسی: حکو ممتقیم وکولو محمدیم

که ترجمه دقیق تر این عبارت چنین می شود : دهانش شیرین است و تمام او محمد است . در این عبارت نام مبارک پیامبر به صراحت ذکر شده و به این نکته نیز اشاره شده که تمام وجود ایشان محمد و پسندیده است هم صورتش و هم سیرتش .

- علاقه مندان به مطالعه و تحقیق بیشتر میتوانند به کتابهایی که در این زمینه تا لیف شده است مراجعه کنند برخی از این منابع عبارتند از
- 1-بشارتهای کتاب مقدس، تا مرمیر مصطفی، ترجمه: بزرگ کیا
 - 2-بشارت عهدین، محمد صادقی
 - 3-اظهار الحق، رحمه الله بن خلیل الرحمن الهندی
 - 4-غصن الرب، احمد علی سقا
 - 5-تباشیر الانجیل و تورات بااسلام و رسوله محمد، نصر الله عبد الرحمان ابوطالب
 - 6-محمد در تورات و انجیل، پرفسور عبد الاحد داود
 - 7-انیس الاعلام ج 5 ، محمد فخر الاسلام
 - 8-بشارت العجاب

برگرفته از سایت:

<http://www.porsojoo.com>

منبع: [اثبات اعجاز علمی قرآن کریم](#)

<http://islam-pdf.persianguig.ir>